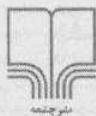


از مجموعه‌ی کا
داستان‌های کوتاه هولنا
و به یادماند
- جلد ۱ -



آمبروس بیرس قلمرو وحشت

ترجمه‌ی پرویز استیان بروجنی

www.ketab.ir

میراث‌شناسی: بیرس، آمبروس، ۱۹۱۴-۸۴۲ م.

Bierce, Ambrose

عنوان و نام پدیدآور: قلمرو وحشت: مجموعه‌ی کامل داستان‌های کوتاه هولناک و

به‌یادماندنی / آمبروس بیرس: ترجمه‌ی پرویز همش، بروجین

مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری: ۱۷۷ ص.

شابک: ۱-۳۹۶-۲۲۹-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: complete short stories of Ambrose Bierce, c 1970

یادداشت: کتاب‌نامه

عنوان دیگر: مجموعه‌ی کامل داستان‌های کوتاه هولناک و به‌یادماندنی

موضوع: داستان‌های آمریکایی - قرن ۱۹ م.

شناسه‌ی افزوده: همش، بروجین، پرویز، ۱۳۹۶-۱۳۳۰، مترجم

رده‌بندی کنگره: PS۱۴۶۹ / ۳۸ ق ۱۳۹

رده‌بندی دیویی: ۸۱۳ / ۴

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۳۶۳۲۲۴۸



cheshmehpublication



telegram.me/cheshmehpublication
www.cheshmeh.ir

رده‌بندی نشر چشمه: ادبیات - داستان غیرفارسی - مجموعه داستان آمریکایی

قلمرو وحشت
آمبروس بیرس
ترجمه‌ی پرویز همتیان بروجنی
ویراستار: نیما سرلک

مدیر هنری: مجید عباسی
لیتوگرافی: باختر
چاپ: دالاهو
تیراژ: ۷۰۰ نسخه
چاپ اول: پاییز ۱۳۹۶، تهران
ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان
چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.
رنگونه‌ای و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۳۹۶-۱

دفتر معرفی و فروش نشر چشمه:

تهران، کارگروه انتشارات، شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.

شماره: ۸۸۳۳۳۶۰۰

کتاب‌فروشی نشر چشمه، کریم‌خان:

تهران، خیابان کریم‌خان زند، نیش‌ماری، شماره‌ی ۱۰۷.

تلفن: ۸۰۰۰۰۱۶۶

کتاب‌فروشی نشر چشمه، بهار:

تهران، بزرگراه ستاری شمال، نیش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری ورزش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴.

تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی آرن:

تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرزادی، توسعه به بزرگراه نیایش، خیابان خراسانی، نیش خیابان فخرمقدم،

مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲.

تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی بابل:

بابل، خیابان شریعتی، رویه‌روی شیرینی‌سرای بابل.

تلفن: (۰۱۱) ۳۲۴۷۶۵۷۱

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی پریس:

تهران، پاسداران، نیش گلستان یکم، مجتمع پریس، طبقه‌ی ۲.

تلفن: ۹۱۰۰۱۲۵۸

فهرست

۷	مقدمه‌ی مترجم
۹	پیش‌گفتار
۱۴	درآمد
۱۶	هاینای چوپان
۲۳	ساکن کارکوزا
۲۸	متقاضی
۳۴	ناظری در کنار مُرده
۴۷	مرد و مار
۵۵	تشییع جنازه‌ی جان مورتونسون
۵۷	موجود لعنتی
۶۸	تاکی بر خانه
۷۲	حاضر در مراسم اعدام
۷۵	جاده‌ی مهتابی
۸۶	بازداشت
۸۸	یک پارچ شربت
۹۶	در اقامت‌گاه اِکرت
۹۹	انگشتِ وسط پای راست
۱۰۹	ماجرای نولان
۱۱۴	دشواری عبور از دشت

۱۱۷	توهم استیلی فلمینگ
۱۲۰	کودک خانه به دوش
۱۲۶	آن سوی دیوار
۱۳۶	مردی از بینی
۱۴۵	محیط مناسب
۱۵۴	بانویی از ردهورس
۱۶۲	اعجوبه

www.ketab.ir

مقدمه‌ی مترجم

آمبروس بیرس، در میان نویسندگان قرن نوزدهم آمریکا به خاطر داستان‌های کوتاه به یادماندنی دربارهٔ جنگ داخلی آمریکا (۱۸۶۵-۱۸۶۱) و همچنین داستان‌های تکان‌دهنده و هولناکش معروفیت بسیار زیادی دارد. اگرچه به نظر می‌رسد که او به همراه ادگار آلن پو، شاعر و نویسنده‌ی شصت و هشت و یکایی، در یک زمینه (وحشت) قلم زده‌اند، آثار بیرس به شکلی است که نوشتن‌هایش را در یک موسیقی منحصر به فرد و خاص خود او قرار می‌دهد. ویژگی اساسی نوشته‌ی بیرس که تاه‌گویی، طنز تلخ، به تصویر کشیدن ناپهنجاری‌های اجتماعی و فردی و کندونآوری، روان‌شناسانه در اعماق ذهن آدمی است و همین‌ها آثار او را بسیار تکان‌دهنده، هولناک و به یادماندنی‌تر از آثار دیگران می‌کند، به گونه‌ای که خواننده تا انتها از واقعیت ماهوی داستان بی‌اطلاع می‌ماند و با پایان یافتن آن، زمینه برای اندیشه به پیام داستان آغاز می‌شود. یکی از ویژگی‌های مهم نوشته‌های بیرس نمایش کاستی‌های روحی-روانی قهرمانان داستان‌های اوست. زن‌ها حتا در اوج جسارت و تهور بدون کاستی‌های روحی نیستند و همین کاستی‌ها در بسیاری موارد بر ناکامی‌ها و شکست‌های شان مُهر تأیید می‌گذارند. او به زیبایی درباره‌ی عشق، غرور، خودخواهی، مال‌اندوزی، بی‌رحمی، حرص، وفاداری و... سخن می‌گوید. مرگ در همه‌ی داستان‌های بیرس نقشی اساسی بازی می‌کند و اگرچه مرگ بسیاری از قهرمانان داستان‌هایش در فضایی غریب روی می‌دهد، این دست‌آورد همیشه با آرامش، خاموشی

و سکوت همراه است؛ ویژگی خاصی که از تکان‌دهندگی و هولناکی داستان‌ها می‌کاهد و رنگ‌مایه‌ای مرموزانه و قابل قبول به آن‌ها می‌بخشد. بیرس اگرچه کم و گزیده سخن می‌گوید، ترکیب واژه‌های به کار رفته را چنان هنرمندانه انجام می‌دهد که فضای داستان به زیبایی تمام به تصویر کشیده می‌شود و همچون روان‌شناسی برجسته رازهای اعماق ذهن آدمی را افشا می‌کند؛ ویژگی‌ای که هر یک از داستان‌های بیرس را منحصر به فرد می‌کند و اعتباری خاص بدان‌ها می‌بخشد. زندگی پُر درد و رنج بیرس، شرکت در جنگ داخلی اجتناب‌ناپذیر و ضربه‌های روحی و جانی وارد شده بر جامعه در آثار او تأثیری تعیین‌کننده داشته‌اند. مستم دیدگان در داستان‌های بیرس نقش عمده‌ای بازی می‌کنند؛ نگاه بیرس به آن‌ها که این رنج تحمل می‌کنند نگاهی دلسوزانه است، اگرچه ممکن است از سرنوشت رقم خورده برای آنان هیچ گریزی نداشته باشند. آمبروس بیرس با کتاب فرهنگ شیطان برای خوانندگان ایرانی چهره‌ای آشناست. مجموعه‌ی کامل داستان‌های کوتاه و هولناک بیرس ۴۵ داستان که تا به حال در دو جلد به نام قلمرو وحشت ارائه شده است.

پیش‌گفتار

روی میز کارش یک جعبه سیگار بود. هنگامی که از بیرس در این باره سؤال می‌شد، پاسخ می‌داد که رلی تنها چیزی است که از دوستی قدیمی برجا مانده و دیگری حاوی خاکستر یکی از منت‌هاست. می‌گویند بیرس هنگام بیان این سخنان لبخند نمی‌زد. سیاستمداران فاسد، نالی‌های - بگ‌طاب، بازرگانان مکار و شخصیت‌های ادبی نالایق که بیرس ویلیام دین هاوِلز، سری - رمز و جک لندن را نیز جزءشان می‌داند، همگی هدف طنز نیش‌دار او قرار می‌گرفتند؛ طنزی که شکلی حیرت‌آور سفسطه‌گری، ریاکاری، بی‌لیاقتی و پلشتی‌ها را در وجود آنان به تصویر می‌کشید. او با نام «بیرس تلخ‌زبان» به نگارنده‌ی فرهنگ شیطان و پلیدترین فرد سن‌فرانسیسکو شهرت یافته بود. سال ۱۹۱۳، بیرس در هفتاد و یک‌سالگی به مکزیک پانچو ویا رفت و آنجا پدید شد؛ سرانجام دردناکی که با توجه به زندگی پُرفراز و نشینش طبیعی به نظر می‌رسید. بااین حال، در میان همه‌ی ویژگی‌های عجیب این زندگی فوق‌العاده و مرگ مشکوک، هیچ چیز به اندازه‌ی ۹۰ داستانی که از بیرس به‌جا مانده است، ماندگار و تکان‌دهنده نیست. این داستان‌ها را به حق می‌توان یکی از دستاوردهای مهم تاریخ ادبیات امریکا دانست. داستان‌هایی که کاملاً با داستان‌های رئالیستی یا تخیلی - ناتورالیستی ستایش شده در زمان بیرس و یا با قصه‌های بومی غربی مشهور برت هارت و یواکین میلر تفاوت دارند. با توجه به ذائقه‌ی معاصران بیرس و اختلاف فراوان بین آثار او و هر آنچه در دهه‌های ۸۰

و ۹۰ نوشته می‌شد، حیرت‌آور است که آثار بیرس جایگاه نخست را به دست آوردند. به همین خاطر هم هست که او و داستان‌هایش به مدت یک قرن در گلچین‌های ادبی و در ذهن عاشقان و طرفداران سنت‌شکنی‌هایش باقی مانده‌اند. ابتکار و خلاقیت بیرس در درون‌مایه و ساختار داستان‌ها و توانایی ارائه‌ی آن‌ها همواره موجب حیرت همگان بوده است.

در حقیقت، در تمام آثار برجسته‌ی بیرس، آن‌چه احتمال نمی‌رود تعیین‌کننده‌ی مسیر داستان است. او می‌نویسد: «هیچ چیز به اندازه‌ی حقیقت نامحتمل نیست. آن‌چه روی می‌دهد غیرمنتظره است. اما این نیز حق مطلب را ادا نمی‌کند. می‌توان گفت آن‌چه احتمال نمی‌رود، انواع، غیر ممکن به نظر می‌رسد روی می‌دهد.» بیرس داستان‌نویسی دوران خود آشکارا به سخره می‌گیرد، زیرا این شیوه‌ی نگارش زیر فشار تعهدی کسالت‌بار و قابل‌پیش‌بینی به دور ادعای ممکن به فغان آمده بود. او داستان کوتاه را شکل متعالی داستان‌نویسی می‌داند، زیرا به جای توجه‌ی کوتاه‌نظرانه و فاقد بینش طولانی به رویدادهای اجتماعی، «به حقایق روان انسانی می‌پردازد». بیرس برای رئالیسم قلمرو بسیار وسیع‌تری را متصور بود. حقایق غیر محتمل یا غیر ممکن؛ واقعیت‌هایی که انسان را به وحشت بیندازند، قلب را به تپش درآورند و با از سر ترس، سردرگمی یا هراس درک حقیقت ذهن را از اندیشیدن بازدارند.

داستان‌های بیرس از نظر حال و هوا، طرح یا تزیین دید معمولاً چرخش‌هایی غیر قابل‌پیش‌بینی می‌کنند؛ چرخش‌هایی که می‌توانند آسودگی خیال را از خواننده بستانند. به عنوان نمونه‌ای کلاسیک از کاربرد عملی این تکنیک، یکی از آثار برجسته و شناخته‌شده‌ی او، یعنی رویدادی بر پل اوول کریک را در نظر بگیرید. این داستان از سرنوشت «پیتون فارکوار» سخن می‌گوید، پس از بازداشت به دست سربازان شمالی به خاطر تلاش ناموفقش برای به آتش کشیدن پل راه‌آهن فارکوار که به مجازات اعدام فوری با دار محکوم شده، از تأخیر غیرمنتظره‌ای که در جریان اجرای حکم روی داده استفاده می‌کند و ذهنش به سوی زندگی آرام قبلی‌اش کشیده می‌شود. سپس بیرس با بازگشتی کوتاه به خاطرات حسرت‌بار فارکوار، از زمانی سخن می‌گوید که زمین‌دار جنوبی زیر

فشار زندگی خفت بار عادی و عشق به قهرمان بودن بی تابی می کند. بخش سوم داستان به روند هوشیاری فارکواری می پردازد و تلاش ناامیدانه اش برای بازگشت به همان زندگی که از آن گریخته است. در این زمان، تا جایی که طناب دار به گردن فارکواری آویخته می شود، او اسیر توهمات خودش است، شهروند عادی یا نظامی بودن و زندگی یا مرگ. این دایره ی بزرگ توهمات و حرکت متناوب بین واقعیت عینی و تخیل، قادر است همچون فارکواری هر خواننده ای را که ماجرای داستان را ترجیح می دهد و نه حضور گریزناپذیر مرگ را، به خود جلب دهد. به عبارت دیگر ترفند اصلی داستان رویدادی بر پل اوول کریک، بیان این گمان کتب نابا بر است که جنگ می تواند سرانجامی دلپذیر داشته باشد.

همان گونه که رویدادی بر پل اوول کریک به خوبی نشان داده می شود، داستان های جنگی بیرس توصیف هایی عینی از پیکارهای جنگ داخلی نیستند، بلکه برعکس گزارش هایی چشم گیر را از آب و کان دهنده اند از رفتارهایی تند و غیر منتظره از انسان هایی که در رویارویی با نابودی خویش به آن ها دست زده اند و یا تحت تأثیرشان قرار گرفته اند. به همین گونه، داستان های غیر ملای و یا هائناک بیرس بیش از آن که به اشباح پردازند، به توصیف توهمات می پردازند که درون ما نه کردنده رنگ شیطان بیرس روح را «نشانه ای آشکار و عینی از ترس درونی» تعریف می کند. در میان بهت بین داستان های هولناک بیرس، مرگ هالپین فریزر نمونه ای مناسب است که در آن مرزهای میان ملت ظاهری هراس قهرمان داستان، خود ترس و نتایج ناشی از آن درهم می آمیزد. از آن گذشته، بازمانی که رویدادی فراطبیعی — کلمه ای که در زبان بیرس همواره کنایه آمیز به کار می رود — کاملاً واقعی به نظر می رسد، کانون توجه نه بر فوق طبیعی بودن، بلکه بر ناتوانی طبیعی انسانیت ها در رویارویی با اتفاق هایی است که خارج از توالی منطقی زندگی روزمره صورت می پذیرد. روح، رویدادهای عادی زندگی روزمره را زیر سؤال می برد و نه برعکس.

مجموعه ی حاضر شامل تمام داستان های هولناک بیرس است. در داستان های هولناک شاهدیم که چگونه خودپرستی، خودفریبی و اعتقاد خودخواهانه به خردمندی خویش که اغلب مدارک آشکاری ضد آن وجود دارد، منجر به نابودی فرد می شود در حالی که در داستان های جنگی همان خودپرستی و برداشت نادرست ناشی از آن، اغلب فرد و همه ی

قربانیان همراهش را به نابودی می‌کشاند. بیرس در فرهنگ شیطان جنگ را «پیامد جانبی ترفندهای صلح» تعریف می‌کند در حالی که از نظر او «صلح» در امور بین‌الملل چیزی به جز «دوران فریبکاری میان دو دوره‌ی جنگ» نیست. همان‌طور که این مجموعه نشان خواهد داد، در داستان‌های بیرس دنیای جنگ و صلح، واقعیت و رؤیا و فرد و گروه، همگی به یک اندازه فضای انسانی را اشغال می‌کنند.

در سال پُر تلاطم ۱۹۸۴ مقاومت در برابر اعلام بیرس به عنوان نویسنده‌ای که آثارش برای عصر ما نیز بجا و مناسب است، بسیار سخت به نظر می‌رسد. به‌ویژه داستان‌های جنگی او (در واقع داستان‌های ضد جنگش) در عصر هسته‌ای نیاز به خواندن دوباره دارند. اما در مورد بیرس، همانند هر نویسنده‌ی بزرگ دیگر، چنین درخواست بجایی تنها یکی از چند درخواست است که در زمان‌های متفاوت از سوی مخاطبان صورت گرفته است. بیرس در زمان خود به عنوان روزنامه‌نگار شهرت یافته بود و معمولاً به عنوان نویسنده از او نامی برده نمی‌شد. تنها آثارش از معاصران بیرس — مانند استیفن کَرین — تجربه‌های تندروانه‌اش را در شکوه و اوج داستان‌های کوتاه تحسین می‌کردند. اما پس از مرگ اسرارآمیز بیرس، نسل‌های بعدی منتقدان و مستعدان او را نویسنده‌ای فراتر از زمانه‌ی خویش خواندند و یکی از پیش‌گامان چنین عمره‌ای نامیدندش. برای مثال در دهه‌ی ۲۰، بیرس را به عنوان نویسنده‌ای سنت‌شکن می‌دانستند که خود را از قیدوبندهای جامعه‌اش رها کرده بود. اچ. ال. منکن و چند تن دیگر در دهان ۳۰ و ۴۰ بیرس را طنزنویسی پیش‌گام و منتقدی اجتماعی، یا به عبارتی دیگر، یکی از سراسیمه‌ترین افشاگران بلشتی‌های جامعه‌ی آمریکا خواندند. در دهه‌ی ۶۰ و به خاطر تأمل‌دلائی که پروفیسور هاپکینز در مقدمه‌ی آثار بیرس به سال ۱۹۷۰ بیان کرده است، او هرگز به عنوان تجسم نویسنده‌ای قلمداد می‌شود که هنرش به‌تازگی شناخته شده است. همچنین در دهه‌ی ۷۰ تعداد بسیاری از مقاله‌ها و رساله‌های بیرس از سوی شیفتگانش بار دیگر مورد توجه قرار گرفتند. بدون شک چاپ جدید مجموعه‌ی کامل داستان‌ها نام بیرس را برای شناختی دوباره مطرح خواهد کرد.

موضوع به‌روز بودن همیشگی بیرس در برابر نبرد اختن وی به مسائل روز جامعه‌اش

کاملاً طعنه‌آمیز است. او علاقه‌ای به ثبت عادت‌های اجتماعی عصر طلایی نداشت و اعتقاد ترحم‌انگیز این عصر به تفکر منطقی، ثروت و گریزناپذیر بودن پیشرفت انسان‌ها را نمی‌پذیرفت. از آن‌جا که زندگی بیرس از حرفه‌ی روزنامه‌نگاری تأمین می‌شد که ارزش ادبی بالایی برایش نداشت، او حاضر نبود برای مجله‌های مشهور عصرش داستان بنویسد. او با شیوه‌ی بیان تقلیدناپذیرش به سردبیر مجله‌ی مترو پولیتن چنین می‌گوید «می‌دانم چگونه داستان بنویسم... برای خوانندگان مجله که ادبیات برای‌شان بسیار مناسب است. اما تازه می‌دانم که دیگران سرقت ادبی را بسیار جالب و درخور احترام تلقی می‌کنند، چنین نخواهم کرد.» بیرس داستان بلند نوول را «داستان کوتاه شاخ‌وبرگ داده‌شده» توصیف می‌کرد و از مناسبتی که می‌توانست از آن به دست آید، صرف‌نظر کرده بود. او شهرت ادبی‌اش را برای داستان‌هایش در کتاب به خطر انداخت و یکصد سال بعد می‌توان با اطمینان گفت که حق داشته است.

آمبروس بیرس در حرفه‌ی ادبی هم چون زندگی‌اش دست به خطر می‌زد. یکی از آخرین نامه‌های بیرس برنامه‌ی مسافرت به مراکش و مراکش هفتادساله را توصیف می‌کند؛ «برنامه‌ی من اگر شکل بگیرد، عبور از مکزیک و بولیوی و یکی از بنادر اقیانوس اطلس است، البته اگر بخت آن را داشته باشم که به عنوان یک ام‌یکایی در برابر دیوار قرار نگیرم و اعدام نشوم. از آن‌جا امیدوارم با کشتی به بندری در امریکا جنوبی بروم. سپس سلسله‌جبال آند و یا شاید قاره‌را پشت سر بگذارم. طبیعی است، این احتمال می‌راند، خود داشته باشد که هرگز از این سفر بازنگردم. سرزمین‌های عجیبی که هر اتفاقی می‌تواند در آن بیفتد و من نیز به همین خاطر دست به چنین سفری می‌زنم.» داستان بیرس نیز سرآغازی طبیعی است که هر اتفاقی در آن می‌تواند روی دهد و رسیدن به آن برای هر خواننده‌ای که بتواند نویسنده یک هدف است.

کتی آن. دیویدسون
دانشگاه ایالتی میشیگان
ایست لنسینگ، میشیگان